

به نام امیرکبیر، به کام تزار

میرزاتقی‌خان چگونه با گسیل کردن دیپلماتی کارکننده به آن سوی اترک اطلاعات مورد نیاز برای حفظ تمامیت ارضی ایران را به دست آورد؟



میرزاتقی خان چگونه با گسیل کردن دیپلماتی کارکننده به آن سوی اترک اطلاعات مورد نیاز برای حفظ تمامیت ارضی ایران را به دست آورد؟

به گزارش ایسنا، روزنامه خراسان نوشت: «سرزمین ماورای رود اترک تا کرانه های رود سیحون در طول تاریخ بخشی از خراسان بزرگ و قسمتی از سرزمین پهناور ایران بوده و هنوز هم فرهنگ ایرانی در میان مردمان این خطه، ساری و جاری است. با این حال از دوره تیموری به این سو قدرت گرفتن قبایل مغول نژادی مانند ازبکان و نیز دیگر اقوام صحرانشین در این منطقه، زمینه ناامنی و تاخت و تاز به صفحات جنوبی و حتی زمین های این سوی رود اترک را فراهم کرد. شهرهای آبادی مانند مشهد و هرات، پاپی مورد حملات اقوام صحرانشین قرار می گرفت. با فرارسیدن دوره قاجار و ضعف شدید دولت مرکزی از دوره فتحعلی شاه به بعد، سرزمین های شمال اترک، تا حدود خوارزم، با وجود تبعیت ظاهری از ایران عملاً خودمختار بودند و با حملات گسترده به جنوب خراسان بزرگ، روستاها را غارت می کردند و مردم را به بردگی می گرفتند. این مسئله با آغاز دوره سلطنت ناصرالدین شاه حادث شد و افزون بر مردم عادی، تعدادی از شاهزادگان قاجار هم به دست اقوام مهاجم افتادند و به خوارزم منتقل شدند. امیرکبیر برای پایان دادن به این غائله، تصمیم به انجام یک اقدام قاطع گرفت اما قبل از هر اقدامی باید موقعیت جغرافیای طبیعی و انسانی منطقه را به دقت شناسایی می کرد. متون مربوط به این موضوع بسیار قدیمی بودند و نمی شد به محتوای آنها اعتماد کرد. علاوه بر این، در این متون، خبری از معرفی قبایل، اختلافات موجود و مسائل مبتلابه دوران امیرکبیر وجود نداشت. به همین دلیل امیر در اقدامی بنیادی و با هدف تأمین اطلاعات مورد نیاز رضاقلی خان هدایت را با مأموریت ویژه به سوی خان خوارزم فرستاد.

مأموریت دوگانه رضاقلی خان

نخستین هدف مأموریت که باید آن را هدف اصلی آن بدانیم، آزادکردن اُسرای ایرانی بود. امیر روی اتباع کشورش تعصب خاصی داشت و حاضر نبود اسارت یا گرفتاری آنها را در جایی تحمل کند. افزون بر این، حمایت از اتباع دولت علیّه ایران را وظیفه اصلی و قطعی حاکمیت می دانست. با این حال امیر می خواست از این فرصت برای شناسایی دقیق منطقه و به ویژه ساختارهای فرهنگی و سیاسی آن که می توانست در موفقیت اقدامات بعدی دولت ایران مؤثر باشد، استفاده کند. به این ترتیب بخشی از مأموریت رضاقلی خان هدایت به عنوان بخش سری و اطلاعاتی آن، در قالب یک دستورالعمل به وی تفهیم شد. رمز عملیات اطلاعاتی امیرکبیر که مجری آن رضاقلی خان بود، یک مصرع از شاهنامه فردوسی انتخاب شد؛ مصرعی که نشان دهنده هوش سرشار میرزاتقی خان و تسلط وی بر ادبیات فارسی و به ویژه، متون حماسی است: «فرستاد باید فرستاده ای». این مصرع بخشی از سروده حکیم ابوالقاسم فردوسی و مربوط به داستان «بیژن و منیژه» در شاهنامه است:

«فرستاد باید فرستاده ای

درون پُر ز مکر و برون ساده ای

فرستاده باید که دانا بُود

به گفتن توانا و بینا بود»

در واقع امیرکبیر با توجه به حساسیت مأموریت رضاقلی خان، برای او که فردی ادیب و نویسنده بوده، چنین شعری را برگزیده است تا حساسیت و ضرورت مأموریت را به وی یادآوری کند.

دستورالعمل بی نقص میرزاتقی خان

استاد جمشید کیان فر در مقدمه مبسوط و عالمانه خود بر «سفارت نامه خوارزم» که در واقع گزارش دقیق و کامل رضاقلی خان از این مأموریت سیاسی و اطلاعاتی است، بخش هایی از دستورالعمل امیرکبیر را آورده است که فرازهایی از آن را می خوانیم:

«منظور و مضمون از مأموریت آن عالیجاه برای اطلاق (آزادکردن) اسرای مسلمان ایرانی و منع آنها (منظور غارتگران است) از بیع و شرای بندگان خداست که می باید کمال جد و جهد را در این باب به عمل آورد ... و نیز آن عالیجاه می باید زیاده از یک ماه در خیوق (خوارزم) معطل نشود و مراتب مسطوره را حالی نموده، خدمات خود را انجام داده، اسرا را مطلق العنان ساخته، با خود بیاورد و نیز، مأمور است که روزنامجات (گزارش های روزانه) از روز [شروع] مأموریت الی معاودت (بازگشت) و شرفیابی را مفصلاً نوشته، با شرح و بسط تمام از وقایع اتفاقیه و اسامی منازل و تعیین فراسخ (فرسخ ها) و اسامی ایلات و سرکردگان و ریش سفیدان آنها را کاملاً نوشته، با خود بیاورد که آن عالیجاه از عموم آن با اطلاع باشد و هر چه سوال شود، از روی بصیرت و آگاهی معروض دارد.»

این دستورالعمل در بهار سال ۱۲۳۰ در آخرین ماه های صدارت امیرکبیر نوشته شده است. او می دانست بخش مهمی از قتل و غارت های شکل گرفته بر مبنای اختلافات مذهبی است که از دوران هجده ازبکان و پیدایش حکومت صفویه به وجود آمد و عملاً شیرازه امور را در این منطقه به هم ریخت و باب اسیرگرفتن و فروختن اسرای ایرانی را در ماوراءالنهر باز کرد. او در متن دستورالعمل به رضاقلی خان آموزش هایی می دهد که ای بسا بتوان آنها را به نوعی توجه به دیپلماسی وحدت نامید:

«صراحتاً به خان جلالت نشان خیوق اظهار دارید که از آن جا که به مقتضای جهت جامعه اسلامی و مقتضای آیه شریفه وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةَ سَلْمٍ و اسلام و امن و ایمان را ملحوظ خواستیم به طور خوشی ماده بُعْض و معاندت (دشمنی) فی مابین مسلمین مرتدع (برداشته) شود.»

فرجام تلخ مأموریت سرّی

رضاقلی خان هدایت، چنان که خودش در گزارش مشروح «سفارت نامه خوارزم» می نویسد، روز شنبه ۹ جمادی الثانی ۱۲۴۷ / ۲۳ فروردین ۱۲۳۰، تهران را به مقصد خوارزم ترک کرد. او در این سفر، تقریباً تمام دستورالعمل امیرکبیر را به مرحله اجرا درآورد و می توان گفت که با دستی پُر و در زمان تعیین شده که نباید از سه ماه بیشتر می شد، به پایتخت بازگشت. با این حال از بخت بد، رضاقلی خان زمانی به تهران رسید که شاه جوان و هوسباز قاجار، با دسیسه چینی اطرافیان، امیرکبیر را از صدارت خلع کرده و به جایش میرزاآقاخان نوری را گماشته بود. به همین دلیل مأموریت مهم و امنیتی رضاقلی خان به هیچ گرفته شد و صدراعظم جدید آن را اقدامی بی حاصل و بی خود معرفی کرد.

رضاقلی خان که چندان اهل خطرپذیری نبود، برای آن که کارش بی اجر نماند، شرح و متنی در وصف و مدح میرزاآقاخان نوشت و ضمیمه گزارش کرد تا بلکه آن را مد نظر قرار دهند اما چنان که نوه اش، مهدقلی خان هدایت، ملقب به «مخبرالسلطنه» می نویسد: «با عزل امیر، کسی از [رضاقلی خان هدایت] نپرسید کجا رفتی؟ چه کردی؟ کی آمدی؟!» این سفارت نامه که با آموزش های امیرکبیر، یک گنج ارزشمند و بیرون از قیمت گذاری بود، توجه هیچکدام از رجال فاسد دربار ناصرالدین شاه را جلب نکرد. شکست سنگین ارتش نسبتاً مجهز قاجار از نیروهای خان خوارزم، در جنگ مهم و سرنوشت ساز مرو که در سال ۱۲۳۹، حدود ۹ سال بعد از مأموریت سیاسی و امنیتی رضاقلی خان به وقوع پیوست و عملاً مقدمه ای برای جدایی زمین های شمال اترک از ایران شد، نشان داد که سفارت نامه خوارزم، نه تنها مورد توجه قرار نگرفته، بلکه شاه نادان قاجار حتی زحمت تورق آن را هم به خود نداده است؛ چرا که اگر چنین می کرد، لشکر ۴۰ هزار نفری او آن طور مفتضحانه از هفت هزار سوار بیابانگرد شکست نمی خورد و با دادن تلفات سنگین به مشهد باز نمی گشت. نیروهایی که بازگشتند، تنها هشت هزار نفر بودند! مصیبت اصلی اینجاست که این سفارت نامه بسیار مهم، بعدها مورد توجه شارل شفر فرانسوی قرار گرفت؛ آن را به راحتی آب خوردن از ایران خارج و در پاریس اصل و ترجمه آن را در سال ۱۸۷۵م / ۱۲۵۴ش منتشر کرد. مندرجات این ترجمه نقش مهمی در سازمان دهی سربازان تزار روس برای تسلط بر نواحی شمال اترک داشت. آنها با همین اطلاعات که قرار بود برای یکپارچگی ایران به خدمت گرفته شود، همه سرزمین های مذکور را یکی بعد از دیگری اشغال کردند و در نهایت با انعقاد قرارداد آخال در سال ۱۸۸۱م / ۱۲۶۰ش، این سرزمین های وسیع را برای همیشه از آن جدا کردند.»